خراسان روزنامه صبح ایران
دوشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۷ .۵ رمضان ۱۴۳۹ .شماره ۱۹۸۲۴

گلایه حسین علیزاده از نبود سرمایه‌گذاری در بخش فرهنگ

مهر- حسین علیزاده نوازنده و آهنگ‌ساز در نشستی که با محوریت اجرای ارکستر سمفونیک آنتالیا برگزار شد، با اشاره به این که بودجه لازم در بخش فرهنگ سرمایه‌گذاری نمی‌شود، اظهار کرد: عرصه اقتصادی این روزها تنگ است و هر کسی خود را توجیه می‌کند که در هر ارکستر و کنسرتی کار کند. در تمام این ۴۰ سال تمام مسئولان فرهنگی و هنری از بودجه ناليده‌اند اما من سوال دارم که تامین یک ارکستر دولتی به چقدر بودجه نیاز دارد؟

لذت شعر

گاه بی‌دل و دماغ می‌کند
گاه شور و شوقِ کار می‌شود
عشق تو
هر دقیقه‌ای به شیوه‌ای
در نهانم آشکار می‌شود

محمد مهدی سیار

در مطلع شعر تو نچرخانده زبان را
لطف تو گرفت از من بیچاره امان را
شد دشمن تو معترف، انگار خداوند،
در گوش تو گفته همه اسرار جهان را

حسین عباسپور

چه آبی! از چه دریا خورده‌ای تو؟!
چه رنگی! از کجا آورده‌ای تو؟!
ز نیشابور هم عشاق داری!
دلِ فیروزه‌ها را برده‌ای تو

سید احمد حسینی

خیابان‌ها و
کوچه‌های شهر پُرند از من
که دنبال تو می‌گردم
که نیستی...
آخر کجا کوچ کرده‌ای؟
کجا تو را دارد؟
کجا گام‌های مرا گم کرده است؟
کجا شعرهای من به گوش تو نمی‌رسد؟

حمیدرضا شکارسری

اخبار

مراسم اعطای اولین دوره جایزه ادبی قهرمان برگزار می‌شود

جلیل فخرایی- مراسم اعطای اولین دوره جایزه ادبی استاد محمد قهرمان، شاعر و مصحح متون سبک هندی، امروز دوشنبه، ساعت ۱۱ در تالار دکتر شریعتی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد برگزار می‌شود.
به گزارش خراسان، دکتر سلمان ساکت، دبیر اولین دوره جایزه ادبی قهرمان با اعلام این خبر گفت: اولین دوره جایزه ادبی قهرمان به همت مرکز آثار مفاخر و اسناد دانشگاه و با همکاری گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد برگزار می‌شود.
وی درباره سخنرانان این مراسم گفت: دکتر محمدجعفر یاحقی و دکتر محمود فتوحی از اعضای هیئت داوران درباره روند داوری این جایزه ادبی سخن خواهند گفت.
دکتر ساکت در ادامه بیان کرد: پروفسور ریکاردو زیپولی و پروفسور چندرشیکهر از دیگر اعضای هیئت داوران این جایزه ادبی هستند.
دبیر جایزه ادبی قهرمان تصریح کرد: قسمت عمده بار مالی این جایزه ادبی بر عهده خانواده ایشان بوده است.

هاشم جاوید درگذشت

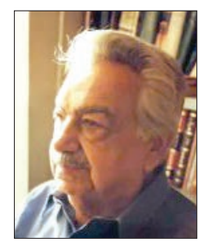

هاشم جاوید نویسنده، شاعر، مترجم و پژوهشگر حوزه ادبیات اهل شیراز درگذشت. به گزارش ایبنا، نیما تقوی مدیر مجموعه فرهنگی «پیرسوک» از درگذشت هاشم جاوید نویسنده و پژوهشگر کشورمان خبر داد. معروف‌ترین اثر هاشم جاوید «حافظ جاوید» شرح دشواری ابیات غزلیات حافظ است که در نشر فرزان روز منتشر شده است. هاشم جاوید علاوه بر پژوهش‌های ادبی بر اشعار حافظ و سعدی کار ترجمه نیز انجام داده بود. او همچنین تصحیحی از دیوان حافظ به همراه بهاءالدین خرمشاهی منتشر کرده بود.

در بیست و سومین نشست از مجموعه درس گفتارهایی درباره سنایی مطرح شد

هدف سنایی از آوردن ابیات مدح، گوشزد به سلطان است

آرمان شهرها

گروه ادب و هنر- بیست و سومین نشست از مجموعه درس گفتارهایی درباره سنایی با موضوع «سنایی در سنایی آباد» با سخنرانی دکتر مریم حسینی، عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا(س) و نویسنده و پژوهشگر ادبیات، در مرکز فرهنگی شهر کتاب تهران برگزار شد.
مریم حسینی در ابتدای این نشست ضمن ارائه خلاصه‌ای از آن چه در بیست و دومین درس گفتار درباره سنایی گفته بود، بحث خود را با خواندن ابیاتی از حدیقه سنایی درباره این که سنایی چگونه جهان را می‌بیند و تصویر جهان در نگاه او چگونه است، آغاز کرد و گفت: سنایی در این ابیات به مراحل آفرینش و این که پس از آفرینش نفس کلی، این نفس ناظر بر جهان است، اشاره می‌کند و این که چگونه هفت فلک بر چهار عنصر تاثیر می‌گذارند و سه مولود جمادی، نباتی و حیوانی از آن صادر می‌شوند.

■ **۵۰۰ تا ۱۰۰۰ بیت حدیقه در مذمت دنیادوستی و دنیاپرستی**

سخنران نشست در ادامه ابیاتی از حدیقه را که سنایی در آن‌ها با نفس کلی، عقل فعال و با فرشته شخصی خود دیدار دارد، قرائت و بیان کرد: نمونه این ابیات در ادبیات فارسی کم نیست اما باید بگویم نمونه منظوم آن همین ابیات سنایی است که برای نخستین بار در ادبیات فارسی پدید می‌آید. چون فضا، فضای کاملا فلسفی است، سنایی به تبع نگاه ابن سینا، خود را در معرض این نگاه غریب قرار می‌دهد و با پیری از آن عالم دیدار می‌کند. گفت‌وگویی میان سنایی و این پیر رخ می‌دهد و پرسش‌هایی رد و بدل می‌شود. آن پیر پایگاه و جایگاه خود را تعریف می‌کند، جایگاهی که او را اولین فرزند آفرینش می‌نامد که این فرصت را دارد تا در مقامی قرار گیرد که ناظر بر عالم زمینی باشد، اما وقتی از سرزمین خودش می‌گوید و آن را شهر خدا می‌نامد، برای ما صحنه‌هایی مثل واتوپیا را تصویر می‌کند. این گفت‌وگو ادامه می‌یابد، پیر حقایقی را بر سنایی آشکار می‌کند و در نهایت پیامی برای سنایی باقی می‌گذارد که این جهان جایگاه تو نیست، تو مسافر هستی و مقصد و جایگاه تو جهان دیگری است.
عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا(س) در ادامه گفت: سنایی که در این ابیات با عالم بالا محشور بوده و با پیری از پیران آن جهان گفت‌وگو کرده است، زمانی که به عالم زمینی برمی‌گردد، دیگر این جهان را نمی‌پسندد و این پیام پیر که این جا جایگاه خشم، شهوت، آرزو، حرص و هوس است و جایگاه تو نیست، مدام در گوش او تکرار می‌شود. به همین دلیل پس از این ماجرا حدود ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ بیت در حدیقه داریم که در مذمت شهوت راندن و دنیاپرستی است که این ابیات در حدیقه به شدت حالت هزل و هجو دارد، دشنام‌گون و تند است و حتی در جاهایی سنایی با کلمات رکیک، بیزاری خود را از غلام‌بارگی، شاهدپرستی و شاهددوستی بیان می‌کند. به شدت به دنیادوستان و دنیاپرستان می‌تازد و حکایت‌هایی در باب بزرگانی می‌آورد که چگونه دنیای فانی را کوچک شمردند و آن را رها کردند.

■ **سنایی جزو عارفان مرگ اندیش است**

وی ضمن خواندن حکایت لقمان که سنایی در حدیقه آورده است، به نگاه سنایی به مرگ اشاره کرد و افزود: در میان عرفا دو نوع نگاه به مرگ داریم، یک عده از مرگ استقبال می‌کنند و لحظه احتضار را بهترین لحظه زندگی خود برمی‌شمرند و عده‌ای هم از آن می‌هراسند و می‌پرهیزند. سنایی جزو آن دسته است که مرگ اندیش است، مرگ را دوست دارد و از آن استقبال می‌کند. به نظر او مرگ دری است که فرصتی برای آدمی فراهم می‌کند تا به عالم دیگر راه یابد. سنایی حکایت آدمی در این دنیا را به یخ فروش نیشابور تشبیه می‌کند که در گرما سرمایه او آب می‌شود و از بین می‌رود و او هیچ بهره‌ای از آن نمی‌برد.
او ادامه داد: کتاب حدیقه سنایی را از بسیاری جهات می‌توان با «کیمیای سعادت» امام محمد غزالی یا «احیاء علوم الدین» مقایسه کرد. دوبندیا بخش در کتاب حدیقه از بخش‌های خواندنی این اثر است که فضای کتاب را از آن فضای دهشت‌بار زمینی بیرون می‌آورد و ما را به عالم معرفت نزدیک می‌کند. آن هم فصلی در شوق و فصلی در باب عشق است.

سنایی حکایت آدمی در این دنیا را به یخ فروش نیشابور تشبیه می‌کند که در گرما سرمایه او آب می‌شود و از بین می‌رود و او هیچ بهره‌ای از آن نمی‌برد

■ **چرا سنایی به مدح سلطان می‌پردازد؟**

این استاد زبان و ادبیات فارسی ضمن خواندن ابیاتی از فصول شوق و عشق و نقل حکایات‌ها و بیان توضیحاتی درباره توصیفات سنایی در این فصول گفت: یکی از اتفاقات جالب در حدیقه این است که بعد از این فصول سنایی یک فصل مفصل در مدح سلطان می‌آورد که شاید برای بسیاری از خوانندگان و مخاطبان او جای سوال و تعجب داشته باشد که چرا سنایی با آن همه ابیاتی که در باب مذمت دنیا دوستی و دنیاپرستی دارد و این که از این کار توبه کرده، یک فصل به مدح سلطان اختصاص داده است؟ در پاسخ به این سوال می‌توان گفت سنایی همان زمانی که از آمدن به دربار عذر خواست، این کتاب را به بهرام شاه تقدیم کرد و طبیعی است که تقدیم‌نامه‌ها باید با مدح و ستایش سلطان همراه باشد. نکته دیگر در پاسخ به این سوال این است که بگوییم سنایی هنوز در گیر آن فضای دوگانه فکری است و سویی زمینی و سویی آسمانی دارد.

■ **سنایی‌آباد حسن ختام حدیقه**

به گزارش ایبنا، حسینی در ادامه اظهار کرد: گاه زبان سنایی، حتی نسبت به سلطان، تند می‌شود که در همین کتاب حدیقه هم نمونه‌های فراوان دارد. سنایی در پایان حدیقه و پس از آن که روایت‌هایش را از مسائل مختلف نقل می‌کند، از خود سخن می‌گوید و به تعریف از کتابش می‌پردازد. سنایی از جمله شاعرانی است که بارها در باب زندگی خود و آن چه بر او رفته در کتاب حدیقه سخن گفته و حسن ختام این کتاب هم شعر سنایی آباد است که در آن به معرفی و توصیف کتاب خود پرداخته است. وی پیش‌بینی کرده که هر شاعری بعد از او بیاید، بی‌شک اشعار وی را به خاطر می‌آورد و آفتاب سخن او هیچ‌گاه غروب نخواهد کرد.

گزارش

پشت پرده لغو برنامه‌های پاموک در ایران چه بود؟

رد پای ترکیه در لغو برنامه‌های برنده نوبل

گروه ادب و هنر- در روزهای ابتدایی نمایشگاه کتاب خبری اعلام شد که تقریباً مثل بمب عمل کرد؛ «اورهان پاموک» برنده جایزه نوبل ادبیات به ایران می‌آید. تقریباً در سال‌های اخیر در حوزه ادبیات شخصیت جهانی به ایران نیامده بود و حال حضور پاموک در ایران فرصت خوبی بود تا مستقیم با نگاه نویسنده کشور همسایه خود آشنا شویم. اورهان پاموک، نویسنده و رمان‌نویس اهل کشور ترکیه و برنده جایزه نوبل ادبیات سال ۲۰۰۶ است. او اولین ترک تباری است که این جایزه را دریافت کرده است. سرانجام پاموک به ایران آمد و قرار شد در چند مراسم ادبی شرکت کند. برپایی یک نشست خبری، شب پاموک، دیدار با تعدادی از نویسندگان ایرانی و همچنین شرکت در نمایشگاه کتاب از جمله برنامه‌های پیش‌بینی شده برای این نویسنده ترک‌تبار بود اما برنامه‌های او با وجود اعلام قبلی لغو شد. با این که درباره دلیل لغو این برنامه‌ها در همان برهه فقط یک دلیل خنده‌دار و غیر قابل توجیه به نام «احتمال ازدیاد جمعیت» در زمان بازدید پاموک از نمایشگاه کتاب مطرح شد اما همان طور که به نظر می‌رسید دلایل دیگری باعث لغو برنامه‌های این نویسنده شده بود. خبرها و گزارش‌های ضد و نقیضی در این باره در روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها منتشر شد و البته هیچ مقام مسئولی هم در تایید یا رد آن موضعی نگرفت. در ادامه مطلب برای روشن شدن ماجرا این اخبار را مرور می‌کنیم.

■ **انتقاد نماینده مجلس و یک روزنامه از سفر پاموک**

در زمان سفر پاموک، حجت‌الاسلام پژمانفر، نماینده مشهد در مجلس شورای اسلامی و روزنامه کیهان از این که فردی با سابقه حمایت از سلمان رشدی به ایران سفر می‌کند، انتقاد کردند. البته بعدا پاموک و مسئولان نشر ققنوس مسئله حمایت از سلمان رشدی را تکذیب کردند. اما کسانی لغو برنامه‌ها را مرتبط با این مواضع دانستند. مصطفی مستور، از این گروه بود و در این باره نوشت: «من به سهم خودم از کمیسیون فرهنگی مجلس و فلان روزنامه انتظار ندارم برای ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی و تعامل فرهنگی با جوامع دیگر و توسعه فرهنگی و رفع ممیزی و ایجاد نشاط فرهنگی در ایام برگزاری نمایشگاه کتاب و کمک به ناشران خصوصی و معرفی سرمایه‌های ملی فرهنگی به جهان گام‌های موثری بردارند، تنها انتظارم این است که برای رشد فرهنگ مانع تراشی نکنند. می‌دانم انتظار زیادی است.»

■ **وزارت ارشاد به عنوان مقصر معرفی شد**

اما روزنامه «صبح نو» ضمن تکذیب حمایت پاموک از سلمان رشدی، مقصر این اتفاق را وزارت ارشاد معرفی کرد و در ۲۳ اردیبهشت ماه نوشت: «اورهان پاموک یک بار در سال ۱۳۸۲ زمانی که هنوز نوبل نگرفته بود، به دعوت انتشارات ققنوس به ایران آمده بود و تمام برنامه‌های پیش‌بینی شده وی برگزار شد. در آن زمان کسی به حضور پاموک، اعتراض نکرد و او نیز درباره حمایت از سلمان رشدی اظهارنظری نکرد. به نظر می‌رسد در لغو برنامه‌های اورهان پاموک در ایران قصوری متوجه ارشاد است، چرا که وقتی حساسیت‌هایی متوجه شخصی است، این افراد باید نسبت به توجیه و برطرف کردن سوءتفاهم‌ها اقدام می‌کردند که این اتفاق نیفتاده است. در روزی که پاموک قرار بود به نمایشگاه کتاب بیاید و نیامد مسئولان ارشاد و نمایشگاه کتاب توصیه کردند این نویسنده در ساعات ابتدایی صبح و در خلوتی به نمایشگاه بیاید که از سوی بانیان حضور پاموک این پیشنهاد رد شد.»

■ **پای ترکیه به لغو برنامه پاموک باز شد**

اما سایت شهرستان ادب، در ۲۹ اردیبهشت روایت دیگری از ماجرا بیان کرد: «شنیده‌های ما از منابع مختلف خبر از ورود سفارت ترکیه به این مسئله را می‌دهند. نامه‌ای رسمی از سفارت ترکیه به وزارت امور خارجه کشورمان مبنی بر لزوم جلوگیری از برنامه‌های اورهان پاموک در ایران فرستاده شده و در پی فشار سفارت، نامه به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارجاع و در نتیجه برنامه‌های علمی و ادبی پاموک لغو شده است. یعنی برخلاف ادعاهای رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه، روزنامه‌نگاران و نویسندگان داخلی، جلوگیری از برنامه‌های اورهان پاموک نه به خاطر نگاه امنیتی و دولت ایران که به خاطر نگاه امنیتیِ حکومت ترکیه بوده است!»

توضیح

گزارش شهروند به نام روزنامه خراسان ترند شد

دیروز در سایت‌ها، خبرگزاری‌ها و فضای مجازی مطلبی به نقل از روزنامه خراسان با عنوان صداوسیما حد و اندازه خوانندگان تیتراژ مانند بهنام بانی و حمیدهیراد را نمی‌داند؟ ربنای "شجریان" ممنوع شده که به این خواننده‌ها برسیم؟ معنای نزول سلیقه چیزی جز این است؟ به سرعت مورد توجه قرار گرفت و ترند شد که البته چنین مطلبی در روزنامه خراسان به چاپ نرسیده و این مطلب در روزنامه شهروند چاپ شده است.

زادروز

همه کتاب‌های «نادر ابراهیمی» را به آتش می‌کشم

چهره‌ها
نویسنده

اردیبهشت امسال، برای سی و سومین نوبت کتاب «چهل نامه کوتاه به همسرم» اثر زنده‌یاد نادر ابراهیمی از سوی نشر روزبهان تجدید چاپ شد. فرزانه منصوری، همسر نادر ابراهیمی، در گفت‌وگویی با مهر گفته است: ما پنج شش هزار جلد کتاب‌های کتابخانه نادر و یادگارهای او را داریم که می‌شود مانند همه کشورها آن را به یک موزه فرهنگی بزرگ تبدیل کرد. الان ۱۰ سالی است که نادر میان ما نیست و از دو سال پیش هم شروع کرده بودم که جایی برای این منظور به ما بدهید. به هر جایی که فکرش را کنید برای این منظور نامه نوشتم. هفته قبل که از شهرداری با من تماس گرفتند و گفتند برای فلانی هم نامه زدیم، گفتم که این آخرین تیر ترکش من است. اگر این اتفاق نیفتد کتاب‌های نادر را می‌ریزم وسط حیاط و آتش می‌زنم.

واکنش تند کیوان ساکت به صحبت‌های مدیرعامل خانه موسیقی

چهره‌ها
آهنگ‌ساز

کیوان ساکت با نوشتن متنی صریح و بی‌پرده، به صحبت‌های حمیدرضا نوربخش مدیرعامل خانه موسیقی واکنش نشان داد. به گزارش باشگاه خبرنگاران پویا او در بخشی از نامه آمده است: نظری به حرف‌هایی که در نشست ماهانه نهادتان ایراد کرده‌ای انداختم و خاطر جمع شدم که روی سخنت به من است. حمید! صحبت از داوری و اجرای من در جشنواره سی و یکم فجر کرده‌ای. به دروغ- دروغی چنین که ادعا می‌کنی، من به کسر بیمه از رقم قرارداد معترضم! چه حرف پرتی؟ حمید! این- بازی که نه- لوس بازی سیاسی را اول کن. همه مرا می‌شناسند و تو را هم می‌شناسند. ناگفته پیداست میان من و تو چه کسی هنرمندی آزاده است و چه کسی از قدرت آویزان است و همیشه بوده است.

نظر مدیر دوبلاژ «کلیله و دوستان» درباره تعداد گوینده‌های مرد

چهره‌ها
مدیر دوبلاژ

شوکت حجت درباره مجموعه ۱۰۰ قسمتی «کلیله و دوستان» که این روزها در حال دوبله است، توضیح داد: من مدیر دوبلاژ این مجموعه به کارگردانی ارشاد رهبر صبح خیز هستم که به بعضی از ضرب‌المثل‌های زبان فارسی اشاره دارد. او همچنین درباره حضور خانم‌ها در دوبله گفت: من وقتی اختتامیه جشنواره «سین سیما» در تلویزیون را دیدم تعجب کردم چون بیشتر برگزیده‌ها مرد بودند که این اتفاق می‌شد به گونه دیگری مدیریت شود. البته در پویانمایی هم این مشکل را داریم که بیشتر شخصیت‌ها مرد هستند و گوینده مرد کم می‌آوریم. البته اکثر فیلم‌های پلیسی و جنایی هم، بیشتر کاراکترهای مرد دارند و ما مجبوریم همیشه از گوینده‌های مرد بیشتر از خانم‌ها استفاده کنیم.

نگاهی به راه و رسم هنری همایون شجریان به مناسبت ۴۳ سالگی‌اش

افول تدریجی یک رویا...

ندا حبیبی- حالا ۴۳ سال می‌گذرد از آن روز اردیبهشتی که محمدرضا شجریان در کنار ابتهاج مشغول ضبط آوازی در دستگاه «همایون» بود و خبر تولد دردانه پسرش، شادی و سرور نام‌گذاری «همایون» را (با پیشنهاد ابتهاج) برایش چند برابر کرد. همایون شجریان گویی زاده شد تا گنجینه پر گوهری را که پدرش به جد و دقت هر چه تمام، دانه دانه اندوخته بود، به میراث بَرَد و گوشِ دلشیفتگان آواز ایرانی را به پیغام تازه‌ای از دوست با خَبر کند. حنجره توانمند شجریانِ پسر، ذوق هنری و هوش سرشار موسیقیایی‌اش باعث شد که از اوان کودکی پای در راهی بگذارد که به واسطه پدرش برای او از همگان هموارتر می‌نمود. او در خانه‌ای می‌زیست که محفل بزرگان موسیقی و ادبیات ایران بود و یکی از برترین آوازخوان صد سال اخیر ایران در آن علاوه بر نقش پدری، نقش استادی‌اش را به عهده داشت. همایون فرزند چهارم محمدرضا شجریان پس از سه دختر متولد شد و در زمان تولد و رشد و نمو همایون، پدرش در اوج دوران فعالیت خود بود. همایون به هنرستان موسیقی رفت و ضرب و کمانچه و تار و پیانو آموخت. اما انتظارها به سر آمد و چکاوک رسید به آواز... که گر نباشد شوق پروازی نخواهد بودن.
به مناسبت ۳۱ اردیبهشت، سالروز تولد همایون شجریان، از راهی که تا به حال پیموده است نوشته‌ایم و «حالِ» آوازش را رصد کرده‌ایم.

همایون شجریان در ۱۰ سالگی

■ **سال‌های وصل و شوق دوست**

کنسرت‌های محمدرضا شجریان در دهه هفتاد، کلاس درسی پربار نه تنها برای خوانندگان بلکه برای نوازندگان، موسیقی‌پژوهان و موسیقی‌دوستان بوده و هست. همایون نوجوان که از اقبال بلند، در این کارزار حرفه‌ای تنبک‌نواخت وزیروبم اجرا را آموخت، هنوز جوان خام بی‌غمی می‌نمود که حتی پدرش در جایی اقرار کرده است که فکر نمی‌کردم همایون آنقدر سریع صدایش را پرورش دهد و بتواند با من همخوانی کند. (برای اولین بار در کنسرتی که پدر به علت سرماخوردگی قصد لغو آن را داشت کنار پدر بر صحنه آواز خواند و شجریان به توانایی فرزندش بیش از پیش پی برد).
باری، ده هفتاد و هشتاد برای همایون شجریان عرصه تلمذ و درس پس دادن استاد و شاگردی بود و همایون بسی نیکو حق شاگردی ادا می‌کرد. از همان آواز مخالف در راست پنجگاه «شوق دوست» تابیات اصفهان «خورشید آرزو». او در بم خوانی گاه از پدر پیشی می‌گرفت و در ادای تحریرهای به هنگام و هوشمندانه از سن و تجربه خود فراتر ظاهر می‌شد. او از ابتدای دهه هشتاد رفته رفته گام‌های مستقل شدن را پیمود و به انتشار آلبوم مستقل پرداخت. اجرای کنسرت‌های مستقل نیز از سال‌های میانی دهه هشتاد آغاز شد و همایون به یکی از تراز اول‌ترین خواننده‌های جوان سنتی تبدیل شد. آلبوم‌های آغازین (همکاری با ضرابیان و کامکارها) کاملا سنتی و همکاری‌هایش با قمصری و گروه دستان و پروژه عبدالقادر مراغه‌ای، نیز در چارچوب موسیقی ایرانی اما با رنگ‌های متفاوت بود. در پروژه شوق نامه (تصانیف عبدالقادر مراغه‌ای) با هدایت محمدرضا درویشی، همایون شجریان چنان توانایی از حنجره و تسلط خود بر صدایش را نشان داد که پدرش بارها لب به تحسین و تمجید از وی گشود. همایون در تمام این سال‌ها با رقه‌ای قوی و روشن برای ادامه راه پدرش می‌نمود.

■ **دیگر نه فرشته‌ام نه شیطان!**

از نظر نگارنده آغاز و ادامه همکاری همایون شجریان و برادران پورناظری برخلاف جنجال بوق و کرنای تبلیغاتی این آثار، درست سر آغاز انفعال فرزند شجریان محسوب می‌شود. انفعالی سخت و طاقت فرسا در عرصه موسیقی سنتی ایرانی که بیش از پنج سال از شروعش می‌گذرد. شجریان جوان به داعیه تجربه‌های نوین و باب دلخواه نسل فرزند ده ساله‌اش، فعالیت‌های متعددی در ژانر راک و تلفیقی به انجام رسانید. البته از حق نگذریم جماعت بورژوای شهری را به شدت جذب کرد اما وظیفه اصلی خود را که همچون پاسبانی از یک بنای تاریخی است، به فراموشی سپرد. همایون شجریان در این سال‌های اوج پختگی صدایش، اجرا و ضبط ردیف آوازی، پرورش هنرجویان، همکاری با بزرگان تکرار نشدنی در قید حیات موسیقی ایران را به بوته فراموشی سپرد و دوشادوش خوانندگان درجه سوم، سرگرم اجرای متعدد کنسرت‌های کم کیفیت و پول ساز شد. همگان واقف‌اند که پول نقش به سزایی در پیشبرد اهداف فرهنگی دارد؛ اما با مقایسه فعالیت شجریان پدر در سال‌های سرشار از محرومیت‌های گوناگون، با فعالیت پسر در سال‌های اخیر که دست کم از لحاظ مالی مضیقه کمتری وجود دارد، می‌توان به گم گشتگی همایون شجریان در مسیر هنری‌اش پی برد.
*نکته‌ای که نباید در این متن مغفول بماند آن که، از آن جایی که همایون شجریان به نوعی سلبریتی تبدیل شده است و گاه انتقاد از عملکرد هنری وی، نویسنده را متهم به «کسب شهرت از طریق انتقاد به همایون شجریان» یا «اندیشه سنتی و بسته» می‌کند ذکر این مثال ضروری می‌نماید: وقتی سرمایه‌ای مهم و حیاتی همچون «دریاچه ارومیه» با کابوس خشک شدن همیشگی دست و پنجه نرم می‌کند، عده‌ای به دنبال جایگزینی جدید برایش می‌گردند، عده‌ای ناامیدانه مرگش را حتمی می‌شمرند و عده‌ای نیز برای احیایش قدم برمی‌دارند و قلم می‌زنند و با زنجیره‌ای به دورش فریاد نجات سر می‌دهند. نویسنده این سطور برای از بین نرفتن میراث معنوی «آواز ایرانی» در وهله اول برشماری عوامل تخریب آن را بر خود واجب می‌داند.